



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۲ مهر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام سوم: نظر به تصویر زن- ادله عدم جواز-

دلیل چهارم تا دوازدهم و بررسی آنها

مصادف با: ۱۵ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۱۵

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جمع بندی احتمالات پیرامون آیه

در بحث از ادله نظر به تصویر المرأة برخی آیات مورد استناد قرار گرفت از جمله آیه «ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن». بحث در این آیه کمی به درازا کشید؛ اقوال برخی از مفسرین و فقها هم در این زمینه ذکر شد. مجموعاً چند احتمال پیرامون دلالت این آیه وجود دارد؛ چون برخی از این موارد صرفاً به عنوان احتمال ذکر شده است.

۱. آیه دلالت می‌کند بر اینکه ضرب الارجل بما انه ضرب الارجل، حرام. این احتمالی است که چندان قابل اعتماد و پذیرش نیست.

۲. ضرب الارجل بما انه حاکی عن الزینة المخفیة حرام مطلقاً؛ چه موجب تهییج و تحریک شود و چه نشود. یعنی نفس این حکایت‌گری و مبین بودن آن نسبت به زینت‌های مخفی یا مواضع زینت، باعث می‌شود که ما آن را حرام بدانیم مطلقاً؛ حالا این می‌خواهد موجب تهییج و تحریک بشود یا نشود.

۳. ضرب الارجل حرام است در صورت تهییج؛ یعنی در واقع ملاک حرمتش مسأله تهییج و تحریک شهوت است.

۴. ضرب الارجل حرام است بما انه موجب للتوجه الی المرأة؛ یعنی چه موجب تهییج و تحریک بشود و چه نشود، نفس توجه به المرأة، نفس جلب نظر به زن، این محل اشکال است؛ حالا تهییج و تحریک در آن باشد یا نباشد. این مبتنی بر آن است که ما بین تهییج و جلب النظر بتوانیم تفکیک کنیم که بگوییم می‌شود جلب النظر بشود اما تهییج نباشد. مثل اینکه توجه یک کسی به موی زن نامحرم جلب شود اما مهیج هم نباشد.

نتیجه بحث در دلیل سوم

اینها احتمالاتی است که اکثراً قائل هم دارد و در مورد این آیه اظهار شده است. با توجه به آنچه ما گفتیم و بحث‌هایی که اینجا صورت گرفت و اقوال و انظاری که در این رابطه وجود دارد، می‌توانیم بگوییم این آیه دلالت می‌کند بر اینکه ضرب ارجل و کوبیدن پا بر زمین که به نوعی مبین حکایت‌گری خلخال از زینت مخفی و مواضع مخفی زینت باشد، این خالی از اشکال نیست و جایی برای این تأمل وجود دارد که این حکایت‌گری و جلب نظر و اعلان و تبیین، در واقع باعث می‌شود که نظر به خود المرأة جلب شود؛ یعنی بین اعلان، حکایت‌گری و نظر به خود المرأة کأن نمی‌شود جدا کرد. این یک دعوت به سوی خویش است؛ حالا دعوت هم نباشد، یک توجهی به سوی زن است.

اما مسأله تصویر درست است که حکایت‌گری و اعلان دارد ولی این لزوماً باعث توجه و جلب نظر به خود مرأه نمی‌شود. ممکن است بگوییم که آیه آن نوع حکایت‌گری و جلب نظری را حرام می‌داند که بین حاکی و محکی از نظر عرفی تفاوتی نباشد. مثلاً صدای زن، عطر یا صوت الخلدال، اینها بالاخره باعث توجه به خود زن در همان لحظه و موقعیت می‌شوند. آن نوع حکایت‌گری‌ها و حاکی‌هایی که این ویژگی را داشته باشند، می‌توانیم بگوییم این آیه آنها را قدر مسلم این است که حرام می‌کند. اما اینکه ما بگوییم این آیه بخواهد بر تحریم مطلق حکایت‌گری و مطلق اعلام دلالت کند، حداقل این است که این خیلی روشن نیست.

عرض کردیم برای اینکه ببینیم آیا نظر به تصویر المرأه جایز است یا نه، ادله و عمومات حرمت نظر یا حتی ادله خاصه را باید بررسی کنیم و ببینیم این ادله اقتضای تحریم نظر به تصویر المرأه دارند یا ندارند. تا اینجا سه تا آیه را بررسی کردیم؛ دو آیه اول (آیه غض و آیه «ولایبیدن زینتھن») دلالت نداشتند بر حرمت نظر به تصویر. آیه سوم را هم عرض کردیم که با توجه به این معنایی که ذکر کردیم، حداقل شمولش نسبت به تصویر شاید خیلی واضح و روشن نباشد.

دلیل چهارم

دلیل چهارم از ادله‌ای که به آن استدلال شده برای عدم جواز نظر و حرمت نظر به خود اجنبیه، اخباری است که دلالت می‌کند بر حرمة النظر الی وجه المرأه. تقریب استدلال به این روایات این بود که اگر این اخبار حرمت نظر به وجه المرأه را دلالت کنند، پس به اولویت قطعی حرمة النظر الی سائر الاعضاء را ثابت می‌کنند. این یکی از ادله بود؛ دلیلی بود که برای حرمت نظر به زن نامحرم به آن استناد شده بود.

بررسی دلیل چهارم

ما گفتیم که این دلالت بر حرمت نظر نمی‌کند؛ چون روایاتی که دلالت بر حرمت نظر به وجه می‌کند، ثابت نیست و ما در دلالت اینها خدشه کردیم و گفتیم حرمت نظر به وجه و کفین از این روایات استفاده نمی‌شود. پس اولویت قطعی منتفی می‌شود. به عبارت دیگر این دلیل اساساً دلالت بر حرمت نظر به خود مرأه نمی‌کند فضلاً عن یدل علی حرمة النظر الی تصویرها.

دلیل پنجم

دلیل پنجم روایتی از سکونی بود که دلالت بر جواز نظر به زنان اهل کتاب می‌کند. گفته شد که در آن روایات تعلیل برای جواز نظر شده به اینکه «فانھن لاحرمة لھن»، اینکه اینها حرمت ندارند؛ چون این چنین است، پس نظر به آنها جایز است. تقریب استدلال به این روایت برای حرمت نظر به زن این بود که نظر به اجنبیه و زن نامحرم جایز نیست؛ چون محترمة عرضاً؛ زنان اهل کتاب که نظر به آنان جایز بود، دلیلش را این ذکر کرده‌اند که چون زنان اهل کتاب حرمتی ندارند، نظر به آنها جایز است؛ ولی چون زنان مسلمان دارای حرمت هستند، نظر به آنها جایز نیست. این یک دلیل که البته مسأله حرمت داشتن و اینکه عرض آنها حفظ شود، دلیل شده بر حرمت نظر به زن مسلمان. حالا سؤال این است که آیا این دلالت بر حرمت نظر به تصویر و عکس زن مسلمان می‌کند یا نه. لقائل أن یقول که چون زن مسلمان احترام دارد و عرض و احترام او مهم است، نظر

به تصویر موجب هتک است و برخلاف حرمت و احترام زن مسلمان است؛ لذا همانطور که نگاه به خود زن از باب هتک عرض او جایز نیست، نگاه به تصویر او هم از باب هتک و بی‌احترامی و تعرض به دایره عرض او، جایز نیست.

بررسی دلیل پنجم

واقع مطلب این است که اگرچه ما بپذیریم که نگاه به زن مسلمان هتک او محسوب می‌شود و تعرض به حرمت او و نادیده گرفتن احترام او محسوب می‌شود - که در خود این هم فیه نظر -، پذیرش این در مورد تصویر مشکل‌تر است. یعنی واقعاً اگر کسی نگاه به موی زن نامحرم کند، این هتک محسوب می‌شود؟ این بی‌احترامی محسوب و تعرض به دایره عرض او محسوب می‌شود؟ مسأله این است که در مورد عکس واقعاً این چنین نیست؛ ممکن است در برخی موارد این چنین باشد. ولی فرض کنید که یک زن مسلمانی است که خیلی اهل قید و بند نیست و فرض هم این است نگاه، نگاه بدون لذت است. بله، اگر کسی بخواهد چشم‌چرانی کند، این هتک است. لذا شما می‌بینید که زنان غیرمسلمان هم در برابر چشم‌چرانی مردان حساسیت دارند؛ یعنی یک زنی که اهل حجاب نیست ولی وقتی متوجه می‌شود که یک نگاهی نگاه این‌چینی است، شاید خیلی خوششان نیاید.

سؤال:

استاد: می‌خواهم بگویم نگاهی است که آمیخته با لذت نیست و نگاه غیرشهوانی است؛ نگاه غیرشهوانی لزوماً هتک محسوب نمی‌شود. هتک، تعرض، ورود به دایره احترام آنها و نادیده گرفتن احترام آنها، به نظر می‌رسد قابل اثبات نیست. پس بر فرض ما دلالت این روایت را بر حرمت نظر به مرأه هم بپذیریم، اما واقع این است که دلالتش بر حرمت نظر به تصویر فی غایة الاشکال.

دلیل ششم

دلیل ششم روایاتی است که دلالت بر جواز نظر به اهل بادیه می‌کند. یکی از ادله‌ای که گفته شده بر حرمت نظر به مرأه دلالت می‌کند، این قبیل روایات است که در آنها این تعبیر وارد شده «لانهن اذا نهین لاینتهین». زنان بیابان‌نشین و زنان روستایی، اینها خیلی در حجاب شاید مراقب آن حد و اندازه حجاب شرعی نیستند؛ موهایشان بیرون است و دستشان پوشیده نیست. در زمین کشاورزی و در دامداری کار می‌کنند، به‌هرحال پوشش آنها یک پوشش کامل شرعی نیست. سؤال شده که نظر به اینها چه حکمی دارد، فرموده‌اند که اشکالی ندارد «لانهن اذا نهین لاینتهین»؛ برای اینکه اگر به آنها گفته شود و بازداشته شوند از این کار، اثر ندارد و فرهنگ و عادت آنها این است. نظیر این را در مورد زنان اهل کتاب هم داریم؛ یک چنین تعلیلی در مورد آنها نیز ذکر شده است. اگر این چنین است که اینها اذا نهین لاینتهین، معلوم می‌شود عدم انتهای آنها باعث جواز شده و چنانچه این نباشد، حکم اولی در مورد آنها عدم جواز نظر است. یعنی آنها خودشان چون حرمت خودشان را نگه نمی‌دارند، پس نظر به آنها جایز است والا حکم اولی درباره آنها هم عدم الجواز است.

این تقریب استدلال به این روایات بر حرمت نظر به خود مرأه است. ممکن است اینجا کسی این را بگوید که نظر به تصویر المرأه هم جایز نیست؛ برای اینکه مقتضای این روایات این است که به طور کلی نباید زن در معرض دید قرار بگیرد. حکم اولی در مورد آنها عدم الجواز است و این عدم الجواز شامل تصویر هم می‌شود.

بررسی دلیل ششم

دلالت این دلیل هم بر حرمت نظر به تصویر محل اشکال است. در مورد زنان بادیه‌نشین گفته شده که اذا نهین لاینتهین؛ این معنایش آن است که علت حکم به جواز، عدم انتهای آنهاست والا قاعدتاً باید انتهای پیدا کنند و خودشان را حفظ کنند. ما حتی اگر دلالت این روایت را بر حرمت نظر به زن بپذیریم، دلالت بر حرمت نظر به تصویر ندارد. بحث از خود زنان است که زنان بادیه‌نشین لاینتهین. نهایت همراهی با مستدل، پذیرش دلالت این روایت بر حرمت نظر به خود زن است. اما این چه ارتباطی به تصویر دارد؟ لذا این دلیل هم دلالت نمی‌کند.

این روایات، روایاتی بوده‌اند که تقریباً همه آنها در بحث حرمت نظر به زن ذکر شده است. بالاخره اگر ما هم بخواهیم حکم نظر به تصویر المرأة را بدست بیاوریم، عمدتاً در لابه‌لای همین ادله باید جستجو کنیم یا مثلاً یک دلیل خاصی در مورد تصویر داشته باشیم، که این را ملاحظه فرمودید که ما دلیل خاصی در مورد تصویر نداریم الا در مورد آینه و تصویر در آب. چون خیلی مبتلا به نبوده و اصلاً هنوز ابزارهایی که تصویر در آن منعکس شود یا نقش ببندد، وجود نداشته است.

دلیل هفتم

یکی از ادله‌ای که بر حرمت نظر به خود زن دلالت می‌کند، روایاتی است که بر جواز نظر به ساق و موهای زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند یا یرید شرائها. در آنجا طبق برخی روایات گفته‌اند مرید التزویج و مرید الشراء، می‌توانند به ساق چنین زنی یا به موی چنین زنی نظر کنند. بعد می‌گویند همین که حکم جواز نظر اختصاص داده شده به کسی که یرید زواجها یا یرید شرائها، این حاکی از آن است که حکم اولی، عدم جواز النظر است؛ یعنی در غیر این دو مورد، نظر جایز نیست. این دلیل هم اختصاص داده جواز نظر را به صورة الزواج و الشراء.

بررسی دلیل هفتم

آیا این دلیل بر حرمت نظر به تصویر هم دلالت دارد؟ مستدل می‌گوید قاعدتاً اگر کسی بخواهد به این روایات استناد کند، نهایت این است که باید بگوید النظر الی تصویر کالنظر الی نفسها. بطلان این مطلب قبلاً بیان شد و دیگر نیازی به بحث ندارد که اساساً بین النظر الی نفس المرأة و النظر الی تصویرها فرق است. لذا معلوم و روشن است که این قبیل روایات نمی‌تواند حرمت نظر به تصویر را ثابت کند.

دلیل هشتم

دلیل دیگری که قبلاً هم ذکر شد، صحیحه بزنی از امام رضا(ع) بود که درباره مردی سؤال شد که آیا می‌تواند به موی خواهر همسرش نگاه کند یا نه؟ امام(ع) فرمودند نه، مگر اینکه از قواعد من النساء باشد و هیچ فرقی بین غریبه و خواهر همسر در این جهت وجود ندارد. گفته‌اند این دلالت می‌کند بر حرمة النظر الی المرأة و حرمة النظر الی سائر الاعضاء بالاولویة.

بررسی دلیل هشتم

آیا این روایت اساساً می‌تواند دلالت بر حرمت نظر به تصویر المرأة داشته باشد؟ اصلاً هیچ اشاره‌ای برای استفاده چنین حکمی از این روایت نیست.

دلیل نهم

دلیل نهم روایاتی بود که نظر را سهمی از سهام ابلیس معرفی کرده بود. گفته‌اند این بیان دلالت می‌کند بر اینکه بالاخره النظر الی المرأة سهمی از سهام ابلیس است که در روایت دارد مسموم است و لذا باید از آن اجتناب شود و نگذاریم این تیر از سوی شیطان رها شود.

بررسی دلیل نهم

ما همانجا عرض کردیم که این روایت خودش دلالت بر حرمت نظر به زن نامحرم مطلقاً ندارد؛ یعنی گویا این روایت به نظر مع الشهوة ناظر است و دارد نظر مع الشهوة را به عنوان یک سهمی از سهام ابلیس معرفی می‌کند و نه مطلق نظر را. لذا این روایت هم بر حرمت نظر به خود زن به نحو مطلق دلالت نمی‌کند فضلاً عن أن تدل علی حرمة النظر الی تصویرها.

دلیل دهم

دلیل دهم، روایاتی بود که نظر را به عنوان زنای چشم معرفی کرده است. روایتی از ابی جمیلة از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده که به هر حال نظر را زنای چشم معرفی کرده است. لذا گفته‌اند نظر به زن نامحرم کأن زناست و همانطور که زنا حرام است، این هم حرام است.

بررسی دلیل دهم

ما اصل دلالت این روایت و امثال آن را بر حرمت نظر به خود مرأه رد کردیم؛ چون معلوم است که وقتی می‌گویند این زنای چشم است، در واقع نظر همراه با شهوت و لذت را می‌گویند و نه مطلق نظر را. این دلالت بر این نمی‌کند که نظر مطلق ولو لم یکن عن تلذذ حرام است. بنابراین از آنجا که نظر عاری از لذت مثل زنا محسوب نمی‌شود، گفتیم به طور کلی بر حرمت نظر به خود مرأه دلالت ندارد. آن وقت ما چطور می‌خواهیم از این روایات حرمة النظر الی تصویر المرأة مطلقاً را استفاده کنیم لذا این هم کنار می‌رود.

دلیل یازدهم

دلیل یازدهم این بود که حرمة النظر الی الاجنبیة من الضروریات؛ این از ضروریات دین است و کسی در بین مسلمین با آن مخالفت نکرده است.

بررسی دلیل یازدهم

این فی الجملة قابل قبول است که دلالت بر حرمت نظر به زن نامحرم می‌کند، اما معلوم است که این موردش فقط نفس المرأة است اما تصویر المرأة جزء محدوده ضروری دین نیست؛ چه اینکه اگر ضروری بود حرمت نظر، یعنی باید مثل بدیهی بود که دلیلی هم بر آن مطالبه نشود. در حالی که قطعاً حرمت نظر به تصویر المرأة چنین بداهتی در موردش نیست.

دلیل دوازدهم

دلیل دوازدهم هم ادعای اجماع در این مسأله است؛ فرمودند اجماعی است که نظر به زن جایز نیست.

بررسی دلیل دوازدهم

اگر این را بپذیریم که قابل قبول هم هست، اما ما چطور می‌توانیم این اجماع را تسری بدهیم به تصویر؟ اجماع یک معقده دارد و تسری دادن آن با توجه به اینکه دلیل لبی است، قدر متیقن دارد و حتی اگر شک کنیم نمی‌توانیم این سرایت و این تعدی را داشته باشیم. لذا این دلیل هم بر حرمت نظر دلالت ندارد.

تقریباً اکثر ادله‌ای که بر حرمت نظر به خود زن اقامه شده، همین ادله بود. تا اینجا ملاحظه فرمودید که این ادله نتوانست حرمة النظر الی تصویر المرأة را به نحو مطلق ثابت کند. دو دلیل دیگر باقی مانده که آن را باید بررسی کنیم؛ در مسأله آب و آینه هم اجمالاً اشاره شد از جمله روایاتی که به نوعی مبین حکمت منع و حرمت نظر است. یک حکمت‌هایی ذکر شده که به واسطه آن حکمت‌ها نظر به خود زن حرام شده است. مسأله سهم من سهام ابلیس و زناى چشم، اینها را کنار می‌گذاریم. یک روایتی است که تقریباً مجموعه‌ای از این امور در آن ذکر شده که به واسطه اینها نظر به خود زن جایز نیست. باید ببینیم آن روایت می‌تواند حرمت نظر به تصویر را اثبات کند یا نه.

«والحمد لله رب العالمین»